

بعد از اولین استيضاح ...

استيضاح آقای عبدالله نوری وزیر کشور دولت آقای خاتمی داغ‌ترین حادثه سیاسی در آستانه شروع تابستان جاری بود.

پیش از طرح استيضاح، توپخانه تبلیغاتی جناح‌های سیاسی مختلف درون حاکمیت با تمامی امکانات شروع به شلیک کردند. صدها اعلامیه و اخطاریه و دفاعیه برله و علیه استيضاح صادر شد. نمایرهای رسانه‌های گروهی بدون وقفه اطلاعیه‌های گروه‌های سیاسی مختلف را دریافت می‌کردند؛ اطلاعیه‌هایی که بعضاً استيضاح را تضعیف دولت آقای خاتمی، و بعضی دیگر در راستای پالایش دولت ایشان از یک ناهنجاری بنیادین معرفی می‌کردند!

با آن که استيضاح در روزی انجام شد که تب مسابقات جام جهانی فوتبال همه‌اقتشار جامعه را در برگرفته بود، معهداً هم در روز انجام استيضاح، و هم در روزهای بعد، این ماجرا در کانون توجه همگان قرار داشت.

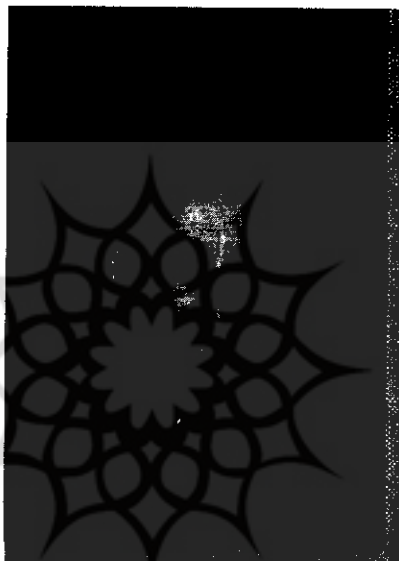
پس از خاتمه استيضاح که با تفاوت آرای کمی به زبان آقای عبدالله نوری تمام شد، آقای خاتمی بلافاصله وی را به سمت معاون رئیس جمهور در امور توسعه و امور اجتماعی (که پست جدید الولاده‌ای است) منصوب کرد، اما در همان حال موكداً یادآور شد دولت ایشان به تصمیمات نمایندگان مجلس شورای اسلامی احترام می‌گذارد.

مطبوعات جناحی از فردای استيضاح در مورد صحت رأی‌گیری و پیامدهای این استيضاح مطالب متنوعی نوشتند و آراء و نتیجه‌گیرهای گوناگونی را ارائه کردند. شایعات جدیدی رواج یافت و حتی سخن از این موضوع به میان آمد که پس از آقای عبدالله نوری، نوبت برخی دیگر از وزرای دولت آقای خاتمی است، و در رأس سیاهه نام این وزراء آقای عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد

اسلامی قرار داشت.

سنجش نیروها

این استيضاح یک پیروزی برای جناح راست و یک شکست برای مخالفان آن بود؟



آقای خاتمی در یک سالی که در مقام رئیس جمهوری فعالیت کرده با امواج بحران‌های سیاسی متعددی مواجه بوده است. محاکمه شهردار و استيضاح وزیر کشور به عنوان نقطه عطفی در بحران‌های داخلی برای دولت ایشان محسوب می‌شود. آگاهان براین باورند که اگر روند بحران‌سازی تشدید شود، دولت به موضعی کشانده خواهد شد که همواره باید آماده مقابله با بحران‌ها و خنثی‌سازی آنها باشد.

نخست باید توجه داشت که این استيضاح نخستین زورآزمایی جدی جناح راست پس از هفتمین انتخابات ریاست جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ محسوب می‌شود. پس در واقع می‌توان این استيضاح را حاصل یک سال تجدید قوا، تجدید نظر در مواضع، برنامه‌ریزی و مقدمه‌چینی دانست. بدین قرار، اگر آقای عبدالله نوری با تفاوت آرای فاحشی از وزارت

کشور عزل می‌شد، حق بود که نتیجه این استيضاح را یک پیروزی شایان برای جناح راست تلقی کرد. اما چنین نشد و با وجود آن که در جریان جلسه استيضاح خیلی از حریم‌ها و حرمت‌ها شکسته شد، معهداً آقای نوری با تفاضل بسیار کمی بین آرای عده موافقان و مخالفان خود پست وزارت کشور را از دست داد.

اگر هدف رهبران جناح راست را چنین تصویر کنیم که آن‌ها قصد داشته‌اند با این استيضاح مواضع جدیدی را به اشغال درآورند و جایگاه خویش را در درون حاکمیت، و به ویژه در مقابل دولت آقای خاتمی، ترمیم کنند، باید این نتیجه‌گیری را هم انجام دهیم که به همه اهداف خود نرسیده‌اند. توجه به یک جمله از سخنان آقای خاتمی پس از اعلام نتیجه استيضاح (بدون آن که نیاز به تفسیر و توضیح داشته باشد) این واقعیت را نشان می‌دهد. این جمله که:

«هرکس در سمت وزارت کشور قرار

بگیرد، راه فعلی را ادامه خواهد داد»

عملکرد آقای خاتمی در این ماجرا مصداق

«با یک دست پس زدن و با یک دست پیش

کشیدن است». ایشان می‌گویند به تصمیم مجلس

احترام می‌گذارد، اما با انتصاب آقای نوری به

معاونت خود و گفتن این جمله که «هرکس در

سمت وزارت کشور قرار بگیرد، راه فعلی را ادامه

خواهد داد» عملاً عزم خویش را برای ادامه

برنامه‌های اعلام شده دولت و ندادن هیچ‌گونه

امتیازی به استيضاح‌کنندگان اعلام می‌کند.

براین اساس، منطقی به نظر می‌رسد برخی

شایعات را جدی‌تر گرفت و امکان آغاز حرکت

جدیدی را از سوی جناح راست بعید ندانست.

حرکت بعدی چه خواهد بود؟

شایعات حاکی است آقای عطاءالله

مهاجرانی هدف بعدی است. همین شایعه زاویه

دید کارشناسان امور سیاسی کشور را به سمت نقطه معینی تغییر می‌دهد. به سمت یک مرکزیت سیاسی موسوم به کارگزاران سازندگی. اینک زمان آن رسیده که تحولات سیاسی یک ساله اخیر کشور را از همین زاویه بررسی و ارزیابی کنیم.

در یک سال اخیر جناح راست‌نیروی خود را عمدتاً مصروف زیر سؤال بردن عملکرد سه نفری کرده است که دو تن آنان (آقای کرباسچی و مهاجرانی) از اعضای متنفذ جریان سیاسی کارگزاران سازندگی هستند و نفر سوم (آقای عبدالله نوری) به گرایش شدید به کارگزاران سازندگی اشتها دارد.

خیلی‌ها می‌پندارند آقای عبدالله نوری وابسته به مجمع روحانیون مبارز است. این پندار صحت ندارد و گرچه ایشان در مقاطع ویژه‌ای با این مجمع همگامی کرده، اما در این اواخر گرایش وی به کارگزاران سازندگی بیشتر بود، و حتی برخی اظهارنظرها حکایت داشت که ممکن است ایشان رسماً به این جریان ملحق شود.

از این قرار مشخص می‌شود در شرایط کنونی پیکان حمله جناح راست به سمت کارگزاران سازندگی نشانه رفته است و این جناح، حداقل فعلاً، قصد رو در روئی با دولت آقای خاتمی را ندارد.

این نتیجه‌گیری ممکن است مورد پذیرش عده‌ای نباشد. این افراد هم سویی رسانه‌ها و محافل وابسته به روحانیون مبارز، همکاران آقای خاتمی در دولت و نیز شخصیت‌های وابسته به کارگزاران سازندگی را به عنوان دلایلی برای مردود بودن این نظریه ارائه می‌کنند. اما به دلایلی که در ادامه همین تحلیل می‌آید، خواهیم دید هم سویی بین کارگزاران و جناح چپ همه جانبه و بی‌قید و شرط نیست.

نگاهی به گذشته

اگر به حافظه‌ها رجوع کنیم به یاد خواهیم آورد که:

۱- از سال ۱۳۶۷ به این سو، دولت آقای هاشمی رفسنجانی که جریان کارگزاران سازندگی

تصرفندی که از سوی چالش‌سازان به کار گرفته می‌شود انگشت نهادن بر عملکرد کسانی است که در شعارهایی نظیر پیروی از قانونمندیهای یک جامعه مدنی خود را با دولت آقای خاتمی هم سو نشان می‌دهند.

در آن متولد شد در ائتلافی فراگیر با جناح راست، جناح چپ (مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و...) را به تدریج از پست‌های کلیدی کنار گذاشت. مجموعه سازمان‌های جناح چپ و افراد با نفوذ آن کاملاً به حاشیه رانده شدند و به صورت سرسخت‌ترین منتقدین برنامه‌های دولت آقای رفسنجانی و جناح راست درآمدند.

۲- در میانه دوره هشت ساله ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی جناح راست متوجه شد به هدف‌هایی که متوقع بوده، نرسیده است و لذا تدریجاً اقدام به تغییر و تصحیح مواضع خود کرد.

۳- در انتخابات مجلس پنجم جناح کارگزاران و جناح چپ در یک همکاری غیررسمی و اعلام نشده کوشیدند مانع شوند جناح راست در مجلس حائز اکثریت نیرومندی شود.

۴- در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری پس از کوشش‌های اولیه‌ای که از سوی مجمع روحانیون مبارز و گروه‌های هم سو با آن انجام شد، و نقطه اوج آن نامزدکردن بی‌نتیجه آقای میرحسین موسوی بود، سرانجام ائتلافی آشکار بین کارگزاران سازندگی و جناح چپ ایجاد شد و هر دو گروه تمامی امکانات خود را برای عدم موفقیت نامزد موردنظر جناح راست و پیروزشدن کاندیدای خود (آقای خاتمی) به کار

گرفتند.

برای سهولت فهم دنباله ماجرا از این پس کارگزاران سازندگی را با عنوان تکنوکرات‌ها ذکر می‌کنیم.

● از سال ۶۷ تا چند سال بعد تکنوکرات‌ها و راست سنتی با هماهنگی کامل و همه جانبه سعی در تضعیف و حذف جناح چپ داشتند.

● در عمل، تکنوکرات‌ها سهم مورد انتظار همکاران خود در جناح راست را نبرداختند و به تدریج کلیدی‌ترین پست‌های سیاسی و اقتصادی را به خویش اختصاص دادند.

● در این برهه، اگر جناح راست می‌کوشید روابط خود را با جناح چپ ترمیم کند شاید وقایع بعدی اتفاق نمی‌افتاد. اما این جناح به دلیل آن که تعدادی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سازمان‌های کشور (وزارت کشور، وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد و...) را در کنترل داشت چنین پنداشت که هم در انتخابات مجلس پنجم و هم در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری پیروزی خیره‌کننده‌ای را فراچنگ خواهد آورد.

این ارزیابی خوش بینانه باعث شد نه در انتخابات مجلس، و نه در انتخابات ریاست جمهوری، جناح راست به اهداف خود نرسد. سهل است، همین ارزیابی، زمینه ساز نزدیکی تدریجی دو گروه کاملاً مخالف و ظاهراً آشتی‌ناپذیر، یعنی تکنوکرات‌ها و جناح چپ، شد.

طبیعی است این دو جناح متحد در برابر حرکت‌های بعدی جناح راست مواضع مشترکی اتخاذ کنند. بنابراین نباید تعجب کرد در ماجرای بازداشت محاکمه شهردار تهران و استیضاح وزیر کشور مواضع تدافعی تکنوکرات‌ها و جناح چپ یکسان باشد. اما اگر به گنه قضایا توجه کنیم در می‌یابیم این مواضع کاملاً هم یک سان نیست.

دقت در تحلیل‌ها و تنقیدهای ارگان‌های تکنوکرات‌ها و جناح چپ تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد.

به یک نمونه اشاره می‌کنیم:

پس از مشخص شدن نتیجه استیضاح آقای عبدالله نوری، روزنامه همشهری که می‌توان آن

را ارگان تکنوکرات‌ها دانست در مقاله‌ای با عنوان «پیام ۳۱ خرداد» - همشهری ۷۷/۴/۳ - در جملاتی پیچیده در لفافه‌های ویژه دنیای سیاست، سخن از انحلال مجلس و انجام انتخابات پیش رس به میان آورد. جمله مورد نظر در آن مقاله از این قرار است:

«... چنین می‌نماید که با حذف پست نخست‌وزیری در اصلاحات سال ۱۳۶۸ قانون اساسی برای حل مسأله بروز بحران احتمالی میان مجلس و رئیس جمهوری تمهیدی اندیشیده نشده است. درحالی که در گذشته این اختلاف نظر زمانی که بین مجلس و نخست‌وزیر پدید می‌آمد، با نقش مهم هماهنگ‌کنندگی بین قوا توسط ریاست جمهوری فیصله می‌یافت، مثلاً در بسیاری کشورها، قانون باتوجه به چگونگی انتخاب رئیس جمهوری و نمایندگان و تفاوت‌های میان آن دو، در صورت بروز بحران چاره را در برگزاری انتخابات زودرس مجلس اندیشیده است.»

هیچ یک از رسانه‌های وابسته به جناح چپ تا این حد پیش نرفتند و به همین جهت روزنامه رسالت (ارگان جناح راست) مشخصاً همین مقاله همشهری را زیر ضربات شدید انتقاد قرار داد و نوشت:

«... برگزاری انتخابات زودرس، معنایی جز انحلال مجلس پنجم ندارد. شاید آقایان می‌خواهند با انحلال خانه ملت، راه را برای «توسعه سیاسی» از نوع آنارشیزم و براساس تئوری «فشار گروه‌های خاص از پایین و چانه زنی در بالا» هموار نمایند...» - رسالت ۶ تیر ۱۳۷۷ -

موضوع بسیار حساس و ظریف در فضای سیاسی کنونی کشور در همین تفاوت نامرئی مواضع دو متحد کنونی (تکنوکرات‌ها و جناح چپ، و به ویژه مجمع روحانیون مبارز) نهفته است. گرچه هر دو گروه رسیدن جناح راست به قدرت فائقه را به معنای حذف خود تلقی می‌کنند و لذا در مقابله با تحركات این گروه در

سطح، واکنش یکسان نشان می‌دهند، اما در عمق گروه کارگزاران سازندگی (تکنوکرات‌ها) و جناح چپ اختلاف نظرهایی دارند. (البته اگر نخواهیم بگوییم جناح چپ خاطرات سالهای ۱۳۶۸ به بعد را از یاد نبرده و به انتظار فرارسیدن روز تسویه حساب با همین تکنوکرات‌ها هم نشسته است!)

تحركات آینده

با فرضیاتی که تاکنون مطرح شد چنین به نظر می‌رسد هدف اقدامات اخیر جناح راست مستقیماً به دولت آقای خاتمی ارتباطی ندارد. خصوصاً که رهبران این جناح گاه‌گاه در گفتارها و نوشتارهای خود برحضور ۳۰ میلیون ایرانی در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری و آرای ۲۰ میلیونی آقای خاتمی ارجح می‌نهند.

اما می‌توان یک فرضیه محتمل را هم مطرح کرد. این فرضیه که جناح راست برای رسیدن به اهداف خود با حوصله و مرحله به مرحله عمل می‌کند. این جناح اکنون تضعیف و زیر سؤال بردن تکنوکرات‌ها را در اولویت قرار داده است. اگر چند مهره اصلی این جناح حذف شوند، و این حذف شدن توأم با اثبات اتهاماتی در مورد ایشان باشد، زمینه برای زیرسؤال بردن شخصیت‌های برجسته‌تر مساعد می‌شود.

این کشمکش بدون آن که مستقیماً دولت آقای خاتمی را هدف قرار دهد، به هر حال سبب درگیری دولت و تخصیص بخش قابل توجهی از نیرو و امکانات آن برای مقابله با درگیری‌های اجتناب‌ناپذیری که از این چالش‌ها ناشی می‌شود، خواهد شد.

گذر زمان، فراموشی و تغییرات

زمان عاملی تعیین‌کننده است. هر اندازه از دوم خرداد ۱۳۷۶ دور شویم از شوق حمایت از دولت آقای خاتمی کاسته خواهد شد. اگر گذر زمان با عدم توانایی دولت برای کاستن از بار مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی توأم باشد، سرعت رشد روحیه بدبینی نسبت به

امکان عملی شدن مواعید داده شده در مبارزات انتخاباتی از سوی آقای خاتمی، افزایش خواهد یافت.

و این، البته یکی از خوش‌بینانه‌ترین فرضیه‌ها است!

فرض بدبینانه این است که تصور کنیم راست سنتی بتواند به جامعه بیاوراند در هفتمین انتخابات ریاست جمهوری، کارگزاران و دیگر حامیان آقای خاتمی از امکانات غیر شخصی برای پیروزی ایشان بهره گرفته‌اند.

ما می‌دانیم شخص آقای خاتمی کمک کسی را مطالبه نکرده بود. اما گذر روزها، هفته‌ها و ماهها و سرگیجه‌ای که از چالش‌های پیاپی سیاسی ناشی می‌شود، سایه فراموشی را برآذهان عمومی فرو خواهد افکند. این فراموشی و نیز



کارشناسان معتقدند آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهوری که ۲۰ میلیون رأی را پشتوانه خود دارد نمی‌باید مستقیماً در ماجرای شهردار تهران مداخله می‌کرد... خصوصاً که اتهامات وارده به شهردار به دوره قبل از ریاست جمهوری آقای خاتمی مربوط می‌شود.

دستاوردهای جناح راست در پیشبرد برنامه‌هایی که در دست اجرا دارد، ای بسا به این نتیجه منتهی شود که دولتی که با ۲۰ میلیون رأی برسرکار آمده کاملاً در یک موضع تدافعی قرار گیرد.

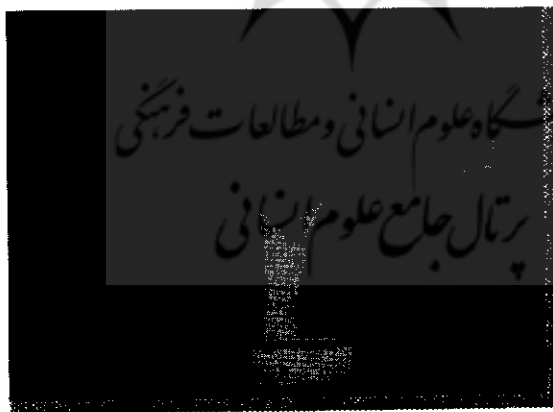
ناظران و کارشناسان سیاسی در این نکته اشتراک نظر دارند که در یک سال گذشته (که

در زمینه موفقیت جناح‌های سیاسی درون هاکمیت، زمان عامل تعیین کننده‌ای است... هرچه از دوم مرداد ۷۶ دور شویم موفقیت یا عدم موفقیت دولت آقای خاتمی می‌تواند در انتظام یا تضعیف جایگاه گروه‌های سیاسی موافق و مخالف اثرگذاری تعیین کننده داشته باشد.

آقای خاتمی حضور دارند، موثر بوده است. این ندانم کاری‌ها موجب شده رئیس جمهوری که آراء ۲۰ میلیون رأی دهنده پشتوانه او است، مستقیماً در برخی امور که حل و فصل آن‌ها نهایتاً در حوزه عمل یکی از معاونین و یا وزرای ایشان است، درگیر شود. بهر تقدیر شرایط حاضر را می‌توان چنین تصویر کرد:

الف: جناح چپ که رئیس جمهور (که گروهی ایشان را وابسته به آن می‌دانند) سرگرم به دست آوردن مواضع از دست داده در سال‌های دوره ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی، و تحکیم آنها است. ب: تکنوکرات‌ها (کارگزاران) با وصل کردن جریانات مربوط به خود به دولت آقای خاتمی، سعی در حفظ مواضع خود دارند.

ج: جناح راست می‌کوشد با زیر سؤال بردن عملکرد برخی از تکنوکرات‌هایی که به دولت آقای خاتمی اتصال یافته‌اند زمینه حذف یا تضعیف تکنوکرات‌ها را به طور مستقیم، و جناح چپ را به طور غیرمستقیم فراهم سازد.



هدف بعدی آقای عطاء الله مهاجرانی است؟ آقای مهاجرانی گفته است برای استیضاح احتمالی آمادگی دارد و از برنامه‌ها و مواضع خود نیز عدول نخواهد کرد.

د: در این چالش‌ها، دولت خواه ناخواه درگیر است و فرصت و امکاناتی را که باید صرف بهبود ناهنجاریهای سیاسی - اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی کند، به مصرف مقابله با

معادل یک چهارم فرصت داده شده به آقای خاتمی برای انجام اصلاحات موردنظر ایشان است)، بخش عمده‌ای از وقت، نیرو و امکانات دولت و حامیان آن برای رودررویی با چالش‌هایی که جناح رقیب موجد آن بوده، به مصرف رسیده است.

برای ناظران و کارشناسان سیاسی پرسش اساسی در شرایط حاضر این است که دولت آقای خاتمی تا چه زمانی خود را درگیر چالش‌هایی می‌کند که مربوط به گذشته و دیگران است.

ترفندی که از سوی چالش سازان به کار گرفته می‌شود، انگشت نهادن بر عملکرد کسانی است که خود را در پیروی از شعارها و هدف‌هایی نظیر پیروی از قانونمندی‌های یک جامعه مدنی با آقای خاتمی هم سو نشان می‌دهند؛ گرچه برخی از این افراد شاید خود بارزترین نمونه‌های قانون شکنی باشند...

جناح رقیب از حساسیت‌های ویژه دولت آقای خاتمی در همین راستا تاکنون بیشترین بهینه‌ترین بهره‌برداری را کرده است. در فراهم آوردن این فرصت‌ها، برخی ندانم کاری‌های بعضی از کسانی که در گروه‌های کاری دولت

جناح راست، در شرایط کنونی بی‌آن که مستقیماً با دولت آقای خاتمی رو در رو شود، با هدف قرار دادن مهره‌های اصلی کارگزاران سازندگی، دولت را به میدان چالش‌های توان فرسایی می‌کشاند.

بحران‌های پی در پی می‌رساند.

در این میانه به نظر می‌رسد تکنوکرات‌ها موقعیتی شکننده‌تر داشته باشند.

برخی از کارشناسان نیز براین باورند امکان نزدیکی مواضع بخش عمده‌ای از جناح راست با بخش عمده‌ای از جناح چپ

وجود دارد. در بدنه‌ای از هر دوی این جناح‌ها نیرومندترین عناصر را روحانیون تشکیل می‌دهند. اگر روحانیون صاحب نفوذ در هر دو جناح از برخی مواضع خود به سود طرف مقابل عدول کنند، امکان کاهش چالش زیاد است. (در این مورد رجوع شود به مقاله‌ای که با عنوان «اتلاف یا وحدت در اختلاف» ۸ و ۷۷/۴/۹ در روزنامه سلام

چاپ شد)

در چنین حالتی - بر فرض وقوع - جایگاه دولت آقای خاتمی به بهای حاشیه نشینی تعدادی از گروه‌های وابسته به جناح‌های راست و چپ، مستحکم خواهد شد.